

اشاعه هسته‌ای و پیامدهای آن بر اوراسیا

علی اصغر کاظمی^۱ - مسعود گودرزی^۲

تاریخ دریافت: ۹۲/۵/۱۳

تاریخ تصویب: ۹۲/۷/۲۷

چکیده

پس از جنگ سرد، وضعیت جدیدی از نظر اشاعه مواد، تجهیزات و فناوری‌های هسته‌ای به وجود آمد. تا آن زمان سلاح‌های هسته‌ای در اختیار قدرت‌های محدودی بود. با پایان جنگ سرد کنترل و نظارت شوروی بر تأسیسات هسته‌ای از میان رفت. در نتیجه این امر، امکان دسترسی بازیگران دولتی و غیردولتی به مواد و فناوری‌های هسته‌ای بیش از پیش تقویت شد. آزمایشات هسته‌ای هند، پاکستان و کره شمالی وضعیت جدیدی را از نظر اشاعه در مباحث روابط بین‌الملل مطرح کرد، در همین مدت کشورهای دارنده سلاح‌های هسته‌ای اگر چه اقداماتی در خصوص مبارزه با اشاعه هسته‌ای انجام داده‌اند، اما این تحرکات صرفاً در چارچوب منافع خود و جلوگیری از ورود سایر کشورها به کلوپ آهنین

۱. استاد و عضو هیأت علمی گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

aakazemi@hotmail.com

۲. دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران و مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر

goodarzimasoud1392@gmail.com

هسته‌ای بود. در چارچوب سیاست محدود سازی کشورهای هسته‌ای برای دستیابی سایر کشورها به سلاح‌های هسته‌ای عملاً شاهد هستیم که کشورهای چون هند، پاکستان، کره شمالی و اسرائیل به سلاح‌های هسته‌ای دسترسی پیدا کرده‌اند. در این مقاله تحقیقی درصدد پرداختن به این موضوع هستیم که اشاعه هسته‌ای در آسیا و بخشی از اروپا (روسیه) چه پیامدهایی برای این منطقه در پی دارد.

واژگان کلیدی: اشاعه هسته‌ای، امنیت بین‌الملل، بازدارندگی هسته‌ای، خلع سلاح، کنترل تسلیحات

مقدمه

پایان جنگ سرد چالش‌های جدیدی در ارتباط با اشاعه سلاح‌های هسته‌ای پدید آورد. کشورهای هسته‌ای و در رأس آنها آمریکا معتقدند که محیط امنیت بین‌المللی و خطر اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی در ابعاد جهانی و منطقه‌ای از جمله مهمترین تهدیدات نظام بین‌الملل هستند که آثار آن بر تمامی کشورها مترتب خواهد شد. بر همین اساس ایجاد یک رژیم قوی نظارتی به منظور محدود ساختن اشاعه سلاح‌های هسته‌ای ضروری می‌نماید. در حالی که قدرت‌های هسته‌ای درصدد محدود نمودن انتشار هسته‌ای (انتشار افقی) می‌باشند، اما در میان خود اقدام به مدرن‌سازی تسلیحات هسته‌ای (انتشار عمودی) نموده‌اند. به طوریکه مجله فارین افوز در شماره دسامبر سال ۲۰۰۹ خود اعلام نموده است در فاصله سالهای ۲۰۰۶-۲۰۰۹ قدرت‌های هسته‌ای به دستاوردهای شگفت‌انگیزی نائل آمده‌اند. (lieber and press, 2009: 3) به موازات اشاعه عمودی هسته‌ای قدرت‌های بزرگ، کشورهای همچون هند، پاکستان، کره شمالی با آزمایشات

هسته‌ای رسماً به کلوپ کشورهای دارای سلاح هسته‌ای وارد شده‌اند و اسرائیل نیز دارای قدرت عظیم هسته‌ای است. در این میان اگر چه کشورهای غربی و در رأس آنها ایالات متحده آمریکا، جمهوری اسلامی ایران را متهم به تلاش مخفیانه جهت دستیابی به سلاح هسته‌ای می‌کنند، اما واقعیت چیز دیگری است و دولتمردان ایرانی معتقدند که توسعه، تحصیل و در اختیار داشتن سلاح‌های هسته‌ای امنیت ایران را تضعیف خواهد کرد و تأثیر معکوس و منفی بر امنیت کشور خواهد داشت. امنیت پایدار برای ایران تنها از طریق مشارکت در روابط منطقه‌ای و جهانی حاصل می‌شود.

در این مقاله درصدد هستیم تا دلایل اشاعه عمودی تسلیحات هسته‌ای چین و روسیه و اشاعه افقی تسلیحات هسته‌ای هند، پاکستان، کره شمالی و اسرائیل را بررسی نماییم. البته در این فرایند ادعای غربیها در خصوص تلاش‌های مخفیانه جمهوری اسلامی ایران و سیاست راهبردی کشورمان را در خصوص دستیابی به انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای را نیز بررسی می‌کنیم. در پاسخ به علت اشاعه این فرضیه را مطرح می‌کنیم که تلاش برای کیفی‌سازی تسلیحات هسته‌ای روسیه و چین به خاطر افزایش کارایی باز دارندگی و اشاعه افقی تسلیحات در کشورهای نوظهور هسته‌ای به دلیل پاسخ به تهدیدات منطقه‌ای و بین‌المللی و ایجاد بازدارندگی می‌باشد.

چارچوب نظری

مدل مطالعاتی این نوشتار در جهت پاسخ به سؤال اصلی و آزمون فرضیه مطرح شده و استفاده از نظریه بازدارندگی و نظریه جبر فناورانه است. نظریه بازدارندگی که بیشتر از سایر نظریه‌ها در تبیین مسائل هسته‌ای شناخته شده است درون

نظریه رئالیسم قرار دارد و مفروضات اصلی آن برگرفته از رئالیسم و نوع نگاه آن به نظام بین‌الملل و مسئله قدرت است. نخستین متفکرانی که در صدد شناخت پیامدها و علل هسته‌ای شدن دولت‌ها برآمدند، عمدتاً از نظر مفروضات رئالیستی به موضوع می‌نگریستند و این امر باعث شد چنین نگرشی به حوزه تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری نیز راه پیدا کند. از نظر رئالیستها نوعی تمایل طبیعی به سلاح هسته‌ای به دلیل قدرت بازدارندگی آن وجود دارد و هرچه این حس نامنی بیشتر شود، انگیزه دولتها برای دستیابی به این سلاح‌ها بیشتر خواهد شد. (قهرمانپور، ۱۳۸۷: ۳۰).

اشاعه هسته‌ای در چارچوب نظریه بازدارندگی جهت پاسخ به تهدیدات و نامنی‌های موجود می‌باشد و همین احساس گرایش به سمت هسته‌ای شدن را تقویت می‌کند.

در چارچوب نظریه جبر فناورانه پیشرفت فنی و فناورانه، مستقل از پدیده‌ای اجتماعی بوده و خود را بر این پدیده‌ها تحمیل می‌کند. فناوری هسته‌ای و ساخت سلاح‌های هسته‌ای امری جبری بوده و مقاومت در برابر آنها بی‌فایده است. (Benjamin K. Sovacool, 2006: 123)

از نظر نظریه جبر فناوری، تفاوت‌های عمیقی میان فناوری هسته‌ای و سایر فناوری‌ها وجود ندارد. همه فناوری‌های حساس ابتدا در انحصار چند کشور مشخص می‌باشد. اما با گذشت زمان سایر کشورها نیز به آن فناوری حساس دست پیدا می‌کنند و رقابت در آن حوزه تشدید می‌شود. در حوزه فناوری هسته‌ای تا دهه ۱۹۷۰ این فناوری در انحصار چند کشور بود و به رغم خود کشورهای دارنده این فناوری با تشکیل نهادهایی چون کمیته زانگربا یا گروه

استرالیا می‌خواستند جلوی اشاعه آن را بگیرند. در مجموع افزایش توان تکنولوژیکی یا به عاریه گرفتن این تکنولوژی یکی دیگر از عوامل اشاعه هسته‌ای است.

برنامه هسته‌ای روسیه

پس از جنگ سرد، به رغم اینکه در بیشتر موارد، تسلیحات هسته‌ای روسیه به جای اینکه جمع‌آوری شوند، به انبارها انتقال یافتند، اما سطح نیروی هسته‌ای این کشور به طرز چشمگیری کاهش یافت. حتی در این شرایط، تولید زیر دریایی‌های حامل موشک‌های بالستیک متوقف و بسیاری از آنها غیر قابل استفاده شده و از تعداد آنها در گشت‌زنی‌های دریایی تا حد بسیار زیادی کاسته شد. بمب افکن‌های استراتژیک دیگری ساخته نشدند و تولید تنها یک نوع موشک قاره‌پیما یعنی اس.اس. بیست و پنج به اندازه محدود ادامه یافت. اکثر تسلیحات هسته‌ای تاکتیکی زمینی به انبارها منتقل شدند و همه سلاح‌های هسته‌ای تاکتیکی دریایی تا اوایل سال ۱۹۹۳ جمع‌آوری شدند. (Lockwood, 2012: 123) پس از فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱ جورج بوش پدر رئیس‌جمهور سابق آمریکا ضمن سفر به اوکراین و مسکو از میزان ذخایر کلاهک‌های هسته‌ای اوکراین آگاه شد و طبق قراردادی اورانیوم غنی شده موجود در کلاهک‌های هسته‌ای کشورهای جدید الولاد بلاروس، اوکراین و قزاقستان را خرید و این خود یک سیستم کنترل بود که البته دیگر تکرار نشد. (غفاریان، ۱۳۸۵: ۶)

کلیه این تحولات در چارچوب برنامه کاهش عمده در توانایی‌های نظامی روسیه بود. این امر، تا حدودی به علت فروپاشی اتحاد شوروی سابق و جدا شدن جمهوری‌ها و عدم موفقیت کشورهای مستقل مشترک‌المنافع در حفظ هرگونه

اتحاد با هدف مشخص بود. اما دلیل مهمتر به سبب افول اقتصاد روسیه بود که سریعاً به سوی نوعی افراطی از سرمایه داری بازار آزاد در حرکت بود. این امر منجر به گسترش سریع شکاف فقیر - غنی، فقیر نمودن یک اقلیت بزرگ از جمعیت روسیه و کاهش عظیم درآمدهای دولت گردید.

با توجه به افول بحرانی در اقتصاد و موقعیت نیروهای مسلح روسیه، به نظر می‌رسد حفظ تسلیحات هسته‌ای برای مقابله با تهدیدات احتمالی امنیتی، انتخاب نظامی بسیار ارزان‌تری باشد. این موضوع را می‌توان با کنار گذاشتن سیاست شوروی سابق مبنی بر عدم استفاده اول از تسلیحات هسته‌ای نیز نشان داد. می‌توان ادعا کرد که سیاست گذشته صرفاً لفاظی و بلوف سیاسی بود، اما این تغییر نشان دهنده افزایش اتکا به نیروهای هسته‌ای در صورت بی‌نظمی در نیروهای متعارف است. در واقع، روند آشکاری مبتنی بر نگاه به تسلیحات هسته‌ای به عنوان پاسخی به تهدیدات خارجی وجود دارد.

به طور کلی، نیروهای هسته‌ای تقریباً به عنوان تنها راه حفظ ظاهر وضعیت نظامی ابرقدرتی روسیه است، به ویژه در برابر گسترش ناتو به شرق که عمده‌تاً در حوزه نفوذ سابق روسیه اتفاق افتاده است. نگاه به این روندها در مجموع نشان دهنده تعهد پایدار روسیه در حفظ نیروهای هسته‌ای مهم استراتژیک و تاکتیکی از جمله نوسازی برخی سیستم‌ها، می‌باشد. در آوریل ۱۹۹۹، پس از حمله هوایی ناتو بر ضد صربستان، شورای امنیت روسیه جلسه ویژه‌ای را تشکیل داد. متعاقب این جلسه ولادیمیر پوتین اعلام کرد که سرمایه‌گذاری جدید در ساخت تسلیحات هسته‌ای استراتژیک و تاکتیکی، از جمله برنامه آزمایشات نیمه

حساس با هدف اطمینان یابی از ایمنی سیستم‌های موجود، صورت خواهد گرفت. (پال راجرز، ۱۳۸۴: ۱۰۹)

در چارچوب سیاست کلان روسیه، توسعه کمی و کیفی تسلیحات هسته‌ای در برنامه کار سیاستمداران روسی قرار دارد و طبق برآوردها حدود ۹۷ درصد از زرادخانه هسته‌ای بیست و هفت هزار سلاحی جهان تنها در انبارهای ایالات متحده و فدراسیون روسیه جای دارد. در این میان مذاکرات و توافقات دوجانبه‌ای میان ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی و پس از آن فدراسیون روسیه منعقد شده است که می‌توان به گفتگوهای سالت او^۲، پیمان‌های اول، دوم و سوم کاهش جنگ افزارهای راهبردی به نام استارت او^۳ و پیمان نیروهای هسته‌ای میان برد^۱، پیمان کاهش نیروهای آفندی راهبردی^۲ (سورت)، رژیم‌های دریغ کردن فناوری هسته‌ای مانند گروه عرضه کنندگان مواد هسته‌ای^۳ و رژیم کنترل فناوری موشکی^۴، تضمین متابعت از مقررات پیمان عدم گسترش از طریق پادمان‌های آژانس انرژی اتمی^۵ و مناطق عاری از جنگ افزارهای هسته‌ای^۶ اشاره نمود که سعی در کاهش تسلیحات هسته‌ای دو کشور داشتند. (عسگرخانی، ۱۳۸۲: ۱۴۱-۱۰۳) بر اساس گزارش اداره امنیت هسته‌ای ملی ایالات متحده درباره طرح‌های ناظر بر جنگ افزارهای هسته‌ای با توجه به پیمان کاهش نیروهای آفندی راهبردی (سورت) بین ایالات متحده آمریکا و فدراسیون روسیه در سال ۲۰۱۲ ذخایر جنگ افزارهای هسته‌ای ایالات متحده

1 Intermediate-Range Nuclear Forces (INF) Treaty

2 Strategic Offensive Reduction Treaty (SORT)

3 Nuclear Supplier Group (NSG)

4 Missile Technology Control Regime (MTCR)

5 Safe Guards of The International Atomic Energy Agency

6 Nuclear Weapon Free Zones (NWFZ)

(Nuclear Posture Recelew)

به حدود ۵۰ درصد کاهش یافته و بدین ترتیب این ذخایر به پایین‌ترین سطح از زمان دولت آیزنهاور رسیده است. (ویلیامز، ۲۰۰۷: ۵۵۰)

علاوه بر این باراک اوباما و دیمیتری مدودف رئیس‌جمهوری سابق روسیه در یک فرایند همکاری‌ها و رقابت‌انگیز، ان پی آر^۱ را به صورت یک قرارداد همکاری امضا کردند که در آن از کمیت کاسته ولی به کیفیت اضافه می‌شود. (Lieber and Press, 2009: 3) با روی کار آمدن مجدد پوتین که بلند پروازی‌های هسته‌ای آن بیشتر از سلف خود می‌باشد طبیعی است اشاعه عمودی هسته‌ای شتاب بیشتری به خود بگیرد. در مجموع آرایش تسلیحات هسته‌ای روسیه شامل نیروهای مرکزی استراتژیک در جهت مقابله با نیروهای هسته‌ای غرب و چین و نیروهای تاکتیکی در جهت مقابله با بحرانهای محدود هسته‌ای که ممکن است علیه دولت‌های غیر هسته‌ای نیز استفاده شوند خواهد بود. سرمایه‌گذاری روسیه در خصوص نسل‌های جدید سلاح‌های هسته‌ای به حدی رسیده است که مقامات این کشور اعلام می‌کند در زمینه تسلیحات هسته‌ای به چنان بازدارندگی رسیده‌اند که در دنیا سابقه نداشته است.

سیاست هسته‌ای چین

چین در ابتدا تسلیحات هسته‌ای را در دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ با کمک شوروی ساخت، اما پس از اختلاف با مسکو، توانست صاحب توانایی داخلی تحقیق، توسعه و تولید گردد. در اوایل دهه ۱۹۸۰، چین احتمالاً دارای ۳۰۰ سلاح هسته‌ای بود. در این دهه هدف چین بهبود کیفیت سیستم‌های هسته‌ای، به ویژه در ارتباط با قابلیت اعتماد و بقاء آن‌ها بود. اکثر این سلاح‌ها استراتژیک فرض

شده بودند، اما این در ارتباط با اتحاد شوروی بود که تهدید اصلی آن زمان محسوب می‌شد. تعداد بسیار کمی از موشک‌های چین توانستند ایالات متحده و اروپای غربی را مورد هدف قرار دهند (جان بلیس، ۲۰۰۰: ۲۲۱). سه دهه تحول در دهه گذشته قابل مشاهده است که به آینده نیز مربوط می‌شود. نخست تعهد واضح چین نسبت به حفظ نیروهای هسته‌ای است. احتمالاً چین با پیمان منع جامع آزمایش تسلیحات هسته‌ای مخالفتی ندارد و ممکن است از روند استارت نیز حمایت کند، اما در نهایت این کشور به نیروهای هسته‌ای به عنوان بخشی از سیاست دفاعی خود نگاه می‌کند. با چنین دیدگاهی به نظر می‌رسد چین نسبت به درک تأثیر این موضوع بر همسایگانی چون هند بی‌تعمیل است.

تحول دوم عبارت است از علاقه چین به توسعه یک آرایش هسته‌ای که در سطح منطقه، شبیه واکنش منعطف ناتو است. چینی‌ها به ویژه نگران روسیه هستند و بر این باورند که یک بی‌ثباتی قابل توجه بالقوه در این کشور همراه با احتمال به قدرت رسیدن یک دولت بسیار ملی‌گرا وجود دارد. چنین بی‌ثباتی احتمالی در مرز چین، زمینه تغییرات در تفکر نظامی آن را فراهم آورده است.

استراتژیست‌ها سخت در تلاش بوده‌اند تا پی ببرند چگونه تسلیحات هسته‌ای و متعارف را به نیازهای عملیاتی جنگ‌های داخلی احتمالی با تکنولوژی بالا بر سر منابع و سرزمین در اطراف مرز چین، مربوط سازند. آنها علاقمندند که بدانند چگونه تسلیحات با تکنولوژی بالا را با قدرت حمله از فاصله دور ادغام نمایند، به گونه‌ای که بازدارنده باشد و در صورت نیاز، پیروزی دشمن در هر درگیری هسته‌ای متعارف و قابل تصور را مانع شوند.

سومین تحول عبارت از نگرانی چین درباره طرح‌های آمریکا برای دفاع موشکی ملی و منطقه‌ای است. چین مخالف جدی هر پیشنهاد آمریکا جهت

دسترسی کشورهای آسیای شرقی شامل ژاپن، کره جنوبی و به ویژه تایوان، به موشک‌های دفاعی بالستیک است و همچنین با هرگونه طرح بلند مدت برای سپر موشکی ملی آمریکا مخالف است. (Sun Ru, 2007: 17) خلاصه اینکه چین نیاز مداومی را نسبت به استفاده از نیروهای هسته‌ای حس می‌کند و مصمم است نیروهایی کافی را جهت پاسخ به نیازهای امنیتی منطقه‌ای خود حفظ کند. علاوه بر این، این کشور در موقعیتی است که بسته به تصمیمات آمریکا در مورد برنامه سیستم دفاع موشکی ملی خود، به دنبال پیشرفت‌های عظیم هسته‌ای استراتژیک برآید.

برنامه هسته‌ای کره شمالی

کره شمالی در تاریخ ۱۰ ژانویه ۲۰۰۳ از آن پی‌تی^۱ خارج شد و در ۹ اکتبر ۲۰۰۶ آزمایش هسته‌ای خود را انجام داد و رسماً وارد باشگاه کشورهای هسته‌ای شد. فروپاشی شوروی و نگرانی‌های امنیتی این کشور در محیط نظام بین‌الملل پس از جنگ سرد که در چارچوب آن نشانی از جمایت اتحاد جماهیر شوروی فروپاشیده نبود و تهدیدات فزاینده از جانب ایالات متحده آمریکا محرک‌های اصلی در اقدامات فوق‌الذکر کره شمالی محسوب می‌شوند.

اگرچه چین متحد اصلی کره شمالی محسوب می‌شود، اما چین با آزمایش هسته‌ای کره شمالی به شدت مخالف بود و این نشان می‌دهد که راهبرد کره شمالی با منافع دراز مدت چین فرق دارد. به دنبال آزمایش هسته‌ای کره شمالی دولت آمریکا قطعنامه ۱۷۱۸ را که فشارهای زیادی از جمله بازرسی همه کالاهایی که به مقصد کره ارسال می‌شوند را خواستار شد و چین هم به این قطعنامه رأی

1 NPT

مثبت داد. البته چین با نگرانی از اینکه چنین اقداماتی ممکن است به بی ثباتی در کره شمالی بینجامد، توضیح داد ابعاد تحریم را محدود کنند. چین ضمن مخالفت شدید با آزمایش هسته ای کره شمالی، آمریکا را ترغیب به کاهش فشار بر آن کشور نمود زیرا فشار نه تنها تأثیری بر حل بحران نداشت بلکه آتش آن را شعله ور تر می کرد. (بیلیس و اسمیت، ۲۰۰۱: ۹۶۱)

مسئله هسته ای کره شمالی جزو لاینفک امنیت ملی آن کشور و صلح و ثبات پایدار در شبه جزیره کره و شمال شرق آسیا می باشد. چین و آمریکا درک متفاوتی از ریشه های آن دارند. از نگاه چین، مسئله هسته ای کره شمالی ریشه در ساختار جنگ سرد شمال شرق آسیا دارد. در حالیکه کره جنوبی روابط دیپلماتیک خود را با دشمنان سابق خود یعنی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۰ و چین در سال ۱۹۹۲ برقرار نمود، اما هنوز عادی سازی روابط بین کره شمالی با آمریکا و ژاپن تحقق نیافته است. از همین رو چین از آمریکا می خواهد روابطش را با کره شمالی به منظور کاهش حساسیت امنیتی آن کشور عادی کند. از نظر آمریکا بحران هسته ای ریشه در ماهیت رژیم کره شمالی دارد و معتقد است فقط از طریق تغییر رژیم می توان رفتار کره شمالی را تغییر داد و برای همیشه برنامه هسته ای آن کشور را محو نمود که این سیاست آمریکا از ناحیه چینی ها به شدت رد می شود. (Sun Ru, 2007: 17)

مسئله هسته ای کره شمالی با مکانیسم صلح در شبه جزیره کره و در سطح گسترده تر با ایجاد مکانیسم امنیتی شمال شرق آسیا مرتبط می باشد. آمریکا و چین هر دو نسبت به همایش شمال شرق آسیا نظر مثبت دارند. همایش مذکور می تواند سازمان دهنده همکاری این دو منطقه شود. اما این امر منابع و نیروی بیشتری را از چین طلب می کند و از طرفی این مکانیسم امنیتی نقش و نفوذ بین

المللی رو به افزایش چین را تقویت می‌کند که ممکن است مورد پسند و رضایت آمریکا نباشد. از طرف دیگر آمریکا حضور نظامی قدرتمند خود را در شرق آسیا حفظ کرده است، اتحاد خود را با ژاپن تقویت نموده است و توان خود را برای مقابله با همه نوع حوادث محتمل الوقوع بالا برده است. در چنین وضعیتی، چین به طور طبیعی به اینکه آمریکا ممکن است در صدد فرو نشاندن نفوذ چین و حفظ سلطه و برتری خود از طریق تشکیل ان.ای.اف^۱ باشد، سوء ظن دارد. از این منظر اگر چه آمریکا می‌خواهد چین مسئولیتهایی را بر عهده بگیرد اما اجازه نمی‌دهد چین برتری آمریکا را دچار فرسایش نماید و یا در رهبری آمریکا سهمی شود. (Sun Ru, 2007: 19). در مجموع اختلافات کره شمالی یا کره جنوبی و ژاپن و احساس بی‌اعتمادی و ناامنی از ناحیه آمریکا باعث شده است تا کره شمالی از سلاح هسته‌ای به عنوان سپری محافظتی در برابر این چالشها استفاده نماید. کره شمالی امیدوار است در اسرع وقت با آمریکا روابط دیپلماتیک برقرار نماید و چین از عادی سازی روابط میان دو کشور حمایت می‌کند، اما آمریکا تمایل ندارد قبل از غیر هسته‌ای شدن کامل کره شمالی چنین اقدامی را انجام دهد و در واقع می‌توان گفت هسته‌ای شدن کره شمالی پاسخی به تهدیدات منطقه‌ای (دشمنی با کره جنوبی و ژاپن) و بین‌المللی (بی‌اعتمادی به آمریکا) می‌باشد و تا زمانی که این تهدیدات به صورت ریشه‌ای حل نشود، هر نوع توافقی ناپایدار و ناموفق خواهد بود همچنانکه پیمانهای هسته‌ای میان اتحاد جماهیر شوروی و آمریکا چندان موفق نبودند (بوزان و ویور، ۲۰۰۰: ۱۲۴).

برنامه هسته ای رژیم صهیونیستی، هند و پاکستان

رژیم صهیونیستی برنامه هسته ای خود را به طور جدی بیش از نیم قرن پیش که بخش اصلی زیر ساخت هسته ای خود را در «دیمونا» بنا نمود، آغاز کرد. اسرائیل در سالهای ۶۷-۱۹۶۶ مرحله ساخت اولین سلاح اتمی خود را تکمیل کرد و در آستانه جنگ ۶ روزه از یک قابلیت اولیه، اما عملیاتی سلاح های هسته ای برخوردار بود. در سال ۱۹۷۰ موقعیت اسرائیل به عنوان یک کشور دارای سلاح هسته ای عرفاً مورد پذیرش قرار گرفت. اسرائیل ششمین کشور جهان و اولین کشور خاورمیانه بود که سلاح هسته ای تهیه نمود (کوهن، ۱۹۹۸: ۱).

بر اساس آمار موسسه بین المللی صلح پژوهی استکهلم رژیم اشغالگر قدس حدود ۱۰۰ تا ۲۰۰ کلاهک هسته ای و به احتمال زیاد تسلیحات پیشرفته نوترونی و سیستم های حامل شامل هواپیماهای دارای توانایی حمل هسته ای و موشک های بالستیک جریکو ۲ با دامنه برد ۱۲۰۰ مایل است (ویلیامز، ۲۰۰۷: ۵۲۰).

پاکستان نیز از بدو تأسیس به دلیل باقی ماندن مسائل بسیار در روابط این کشور با هند از جمله مسئله کشمیر، تمامیت ازضی خود را از جانب هند در خطر دیده است. در مقابل هند که با چین و پاکستان اختلافات ریشه ای دارد، بیشترین تلاش را برای افزایش توان نظامی خود به کار برده که عمده ترین آن مصروف دستیابی به سلاح هسته ای گردیده است. سرانجام در ۲۸ نوامبر سال ۱۹۹۸ و حدود دو هفته پس از آزمایش هسته ای هند، پاکستان نیز دست به اینکار زد. (بشری، ۱۳۸۷: ۱۹-۱۸). رژیم اشغالگر قدس، هند و پاکستان پیمان عدم گسترش هسته ای را امضاء نکرده اند. عدم پیوستن دولتهای یاد شده به این پیمان و تلاشهای آنها در دستیابی به سلاح های هسته ای دلایل متنوع و گوناگونی دارد.

این دلایل می‌تواند عوامل سیاسی، فناوری یا اقتصادی داخلی گرفته تا نگرانی‌های امنیتی منطقه‌ای و کسب حیثیت و آرزوی داشتن نظر موثری در اداره امور جهان را در بر گیرد. در مورد رژیم اشغالگر قدس و پاکستان تلاش برای تحصیل جنگ افزارهای هسته‌ای و میل به بیرون ماندن از رژیم عدم اشاعه اساساً برخاسته از نگرانی‌های امنیتی بود. پاکستان از ناحیه هند احساس تهدید می‌کرد و رژیم صهیونیستی از ناحیه اعراب. در مورد هند ظاهراً دلایل پیچیده تری در کار بود. این دلایل تا حدودی به نگرانی‌های امنیتی باز می‌گشت، تا حدودی برای نشان دادن کاردانی داخلی در زمینه فناوری بود و تا حدودی هم برای کسب جایگاهی دائم در رقم زدن امور جهان (ویلیامز، ۲۰۰۷: ۵۵۱)

برنامه هسته‌ای صلح آمیز جمهوری اسلامی ایران

تلاش برای دستیابی به انرژی صلح آمیز هسته‌ای در پی انتشار پژوهشی در سال ۱۹۷۴ از سوی مرکز تحقیقات استنفورد در ایالات متحده آمریکا شتاب گرفت. در این پژوهش نیاز ایران به انرژی هسته‌ای پیش بینی شده بود که بدین منظور ساخت کارخانه‌های تولید برق هسته‌ای که قادر باشند ۲۰ هزار مگاوات برق تا پیش از سال ۱۹۹۴ تولید کنند توجه شد. هم‌اکنون پس از سالها ایران در نظر دارد تا سال ۲۰۲۰ به این هدف دست یابد، بنابراین برنامه هسته‌ای ایران نه‌جاء طلبانه است و نه از حیث اقتصادی غیر قابل توجیه. تنوع بخشی به منابع انرژی از جمله توسعه انرژی هسته‌ای تنها استراتژی صحیح و مسئولانه در زمینه انرژی برای ایران است که این موضوع مورد تأیید مقامات آمریکایی نیز بود. بر همین اساس یکسال قبل از پیروزی انقلاب دولت ایالات متحده در اعلامیه‌ای رسماً اعلام داشت که ایالات متحده با تلاش‌های ایران به منظور توسعه انرژی‌های غیر نفتی

بسیار موافق است و امیدوار بود که موفق‌نامه انرژی هسته ای میان ایالات متحده و ایران به زودی منعقد شود تا شرکت های آمریکایی بتوانند در پروژه های انرژی هسته ای ایران فعالیت کنند (استاد محمدی، ۱۳۹۰: ۶۶-۶۷).

حال سوال این است که چرا ایران به دنبال دستیابی به چرخه کامل سوخت هسته ای است. در پاسخ باید گفت یکی از بخش های لاینفک سیاست انرژی هسته ای ایران، تأمین سوخت برای کارخانه های تولید برق هسته ای کشور است. اگر چه تولید داخلی سوخت برای این تعداد از کارخانه های برق هسته ای، کاملاً از جهت اقتصادی معقول بوده و دارای توجیه اقتصادی است، اما این تصمیم ایران نباید صرفاً از جنبه اقتصادی مورد توجه قرار گیرد. ایران نمی تواند صرفاً بر تأمین سوخت از منابع خارجی اتکا کند. نتیجه چنین وابستگی آن است که سرمایه گذاری چند میلیارد دلاری ایران در کارخانه های برق هسته ای تبدیل به گروگانی می شود که در اختیار هوس های سیاسی تأمین کنندگان قرار می گیرد. علاوه بر این تلاش برای دستیابی به فناوری لازم و توسعه قابلیت های تولید سوخت باید همزمان و در کنار ایجاد و ساخت کارخانه های برق هسته ای انجام گیرد. در غیر اینصورت با امتناع منابع خارجی از عرضه سوخت، کارخانه های یاد شده در حین انتقال خواهد افتاد و امکان ایجاد قابلیت برای تأمین سوخت در داخل کشور نیز از بین می رود. (غفاریان، ۱۳۹۲: ۲)

از طرف دیگر غریبها استدلال می کنند با توجه به اینکه ایران از سوی دارندگان سلاح های هسته ای (ایالات متحده، روسیه، پاکستان، هند و اسرائیل) احاطه شده است، هر سیاستمدار ایرانی نیز در پی آن است که برای ایران قدرت بازدارندگی هسته ای ایجاد نماید. اینکه بگوییم چون تمامی همسایگان سلاح هسته ای دارند، بنابراین ایران نیز به دنبال سلاح هسته ای است، یک مغالطه

است، بلکه برعکس، نظر غالب میان سیاستگذاران ایرانی آن است که توسعه، تحصیل و در اختیار داشتن سلاح های هسته ای امنیت ایران را تضعیف خواهد کرد و تأثیر معکوس و منفی بر امنیت کشور خواهد داشت. امنیت پایدار برای ایران تنها از طریق مشارکت در روابط منطقه ای و جهانی حاصل می شود. (جفری کمپ، ۲۰۰۱: ۴۷-۴۱) از سوی دیگر ایران در وضعیت فعلی پیشرفت عای خود مربوط به فناوری و قابلیت های نظامی، عقلاً نمی تواند صرفاً بر بازدارندگی هسته ای در مقابل دشمنان خود در عرصه بین المللی یا در منطقه خاورمیانه اتکا کند. علاوه بر این چنین انتخاب غیر واقع گرایانه ای به شکل نامعقولی هزینه بر است و منابع اقتصادی محدود کشور را بیهوده مصرف می کند. در تکمیل استدلال فوق مقام معظم رهبری توسعه، ذخیره سازی و استفاده از سلاح هسته ای را مغایر شرع مقدس اعلام نمودند. ملاحظات فوق نافی حرکت ایران به سمت ساخت سلاح هسته ای است.

نتیجه گیری

از ۱۹۴۵ به بعد، ماهیت و شرایط موضوع گسترش سلاح های هسته ای به شدت تغییر کرده است. در پایان جنگ جهانی دوم فقط ایالات متحده در موقعیتی بود که می توانست سلاح هسته ای بسازد، از آن زمان به بعد دانش ساخت سلاح هسته ای به طور گسترده ای پخش شده است. برای کاهش خطرات ناشی از گسترش سلاح های هسته ای چه می توان کرد؟ پاره ای از تحلیلگران معتقدند که نمی توان مانع گسترش سلاح های هسته ای شد بنابراین راه مناسبی که پیش رو قرار داد. این است که انتشار آن را به گونه ای باید مدیریت کرد که باعث بازدارندگی و در نهایت ثبات شود. نظریه این تحقیق این فرض را تردیدآمیز می داند و بیان می

کند اگرچه بازدارندگی در تأمین امنیت نسبی نظامی می تواند موثر باشد اما منادی امنیت پایدار نیست و تا زمانی که سایه تهدید و ارباب بر سایر کشورها باشد تلاش برای دستیابی به تسلیحات هسته ای به عنوان اولویت دفاعی کشورها مورد استفاده قرار خواهد گرفت. به منظور حل دراز مدت اشاعه هسته ای رژیم عدم گسترش می بایست به عنوان میثاق جهانی تقویت شود و قدرتهای بزرگ نیز ضمن پرهیز از رفتارهای تبعیض آمیز همراه با سایر کشورهای جهان در رسیدن به اهداف این میثاق که همانا جلوگیری از دارا شدن سلاح هسته ای، عدم استفاده از این سلاح ها و در نهایت نابودی و محو این سلاح ها در جهان است، گام بردارند. ضمن اینکه حق مسلم کشورها در استفاده از مزایای انرژی صلح آمیز هسته ای محترم شمرده شود.

منابع

- استاد محمدی، حمیدرضا (۱۳۹۰)، «ایران هسته ای»، مترجم شهناز ریاحی، چاپ اول، انتشارات پاسارگاد.
- بوزان باری، ویور اُلی (۱۳۸۸)، «مناطق و قدرتها»، مترجم رحمن قهرمانپور، چاپ اول، انتشارات پژوهشکده راهبردی.
- بیلیس جان، اسمیت استیو (۲۰۰۱)، «جهانی شدن سیاست: روابط بین الملل در عصر نوین»، مترجم محمد رضا گلشن پژوه و همکاران (جلد ۲)، چاپ اول، تهران، انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر، تهران.
- بیلیس جان و همکاران (۲۰۰۰)، «استراتژی در جهان معاصر»، مترجم کابک خبیری، چاپ دوم، انتشارات ابرار معاصر تهران.

«پرونده هسته ای ایران: روندها و نظرها»، (۱۳۸۷-۱۳۸۶)، (۴ جلد) به کوشش
موسسه مطالعات فرهنگی بین‌المللی ابرار معاصر تهران.

جفری کمپ (۲۰۰۱)، «انتخاب‌های تسلیحاتی ایران: مسائل و تحلیل‌ها»، ترجمه‌ی
پیروز ایزدی، انتشارات دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران.

راجرز پال (۲۰۰۰)، «ژوال کنترل: امنیت جهانی در قرن ۲۱»، مترجم حاجی
یوسفی امیر محمد، جبلی مژگان، چاپ اول، انتشارات پژوهشکده مطالعات
راهبردی سال ۱۳۸۴.

شاکر محمد ابراهیم (۲۰۰۶)، «رژیم عدم گسترش هسته ای: مبادی و تحولات»،
مترجم ابراهیم گلی علیرضا، حاتمی مهدی، چاپ اول، انتشارات خرسندی.

عسگرخانی ابومحمد (۱۳۸۳)، «رژیم های بین‌المللی»، چاپ اول، تهران، انتشارات
ابرار معاصر تهران

قهرمانپور رحمن، (۱۳۸۷)، «رویکرد قدرت های بزرگ به موضوع هسته ای
ایران»، معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی ایران.

کوهن، آوند (۱۹۹۸)، اسرئیل و سلاح های هسته ای، مترجم، رضا سعید محمدی،
چاپ اول، تهران، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور
خارجه.

ویلیامز پل . دی (۲۰۰۸)، «درآمدی بر بررسی های امنیت»، مترجم علیرضا طیب،
چاپ اول، موسسه انتشارات امیرکبیر.

غفاریان، سیروس، (۱۳۸۵)، «از بحران موشکی کوبا تا بحران موشکی کره»، زمین به
مثابه انبار باروت، روزنامه شرق.

غفاریان، امید، (۱۳۹۲)، «فعالیت های صلح آمیز هسته ای جمهوری اسلامی ایران»،
روزنامه همشهری، ویژه نامه گامهای محکم ایران در مسیر هسته ای.

Dunbar locjwood, (2012) "The Status of US, Russian and Chinese Nuclear Forces in Northeast Asia" *Arms Control Today*.

Hornet, Daneil (2012), IAEA Board Approves Fuel Bank Plan, available at : <http://www.arms control.org>, (Accessed on)

Sun Bu, (2008) "Sino- US Cooperation in North Korean Nuclear Issue. *Contemporary International Relations*, vol, 17, No.5.Pp.32-47

www.acronym.org.uk/dd/index.htm/disarmamebt_diplomacy.(Accessed on)

www.nti.org/jozef_goldblat, Can Nuclear Proliferation be Stopped? (Geneva :Geneva International Peace Institute (GIPRI,2010). (Accessed on)

Keir lieber and Dryl press (2009), Nuclear Deterrence of the 21th Century, *Foreign Affairs*, November/December, N.6.Pp.

Benjamin K. Sovacool: "Reactors, Weapons, X-ray, and Solar Panels" and Scott: Technological Frame, Episemic Culture and Actor Network Theory to Investigate Technology" *Journal of Technological Studies*, vol. XXX, No. 1, winter 2006. P.4.